

چگونه با استفاده از مدیریت خود می توانیم نقش انجمن و اولیاء را در امور مدارس ابتدایی افزایش دهیم؟

فرزاد دبیری منش^۱ رامین صداقت خواه^۲

^۱ کارشناسی تربیت بدنی و مدیر آموزگار مدارس عشایری اداره آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد (نویسنده مسئول)
^۲ کارشناسی علوم تربیتی و مدیر آموزگار مدارس عشایری اداره آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد

چکیده

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه ی اول فرزند و مدرسه ، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند ، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید . دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند . بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون ، کار دیگری را خنثی نکند ، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند . مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند . فرزند در خانه و در دامن والدین رشد می کند و آماده ی ورود به مرحله ی دیگری می شود . خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تعلیم و تربیت هر جامعه ای محسوب می شود . وضعیت موجود هر جامعه ای نتیجه یادگیری دیروز افراد در خانه و مدرسه است و وضعیت فردای هر جامعه در نتیجه سرمایه گذاری هایی است که امروز روی دانایی افراد در خانه ، مدرسه و جامعه انجام می گیرد . والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته باشند و با کسب اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند . مقاله حاضر مقاله ای کتابخانه ای است که در ابتدا با ارائه تعریفی از خانواده و اهمیت نقش خانواده در تربیت فرزندان پرداخته و سپس ضرورت ارتباط خانه و مدرسه را بررسی کرده و در ادامه به موانع مشارکت اولیا در مدرسه پرداخته و به ارائه راهکارهایی برای افزایش تعامل والدین با مسئولان مدرسه پرداخته است.

واژه های کلیدی: ارتباط ، خانه ، مدرسه ، تربیت ، آموزش و پرورش ، فرزندان ، والدین ، معلمان

مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی به منظور ارضای نیازهای جامعه پدید آمده است، و مدارس به عنوان خط مقدم جبهه ی تعلیم و تربیت متعلق به این نهاد اجتماعی و در خدمت جامعه است که برای انجام صحیح رسالت خود و برخورداری از حمایت اجتماع ملزم به برقراری رابطه موثر با جامعه می باشد. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که تأمین کننده ی نیازهای روانی و جسمانی افراد است. کودک از همان ابتدایی شیر خواری از محیط خانواده متأثر می شود و در بزرگسالی نیز این تأثیر پیچیدگی خاص خود را پیدا می کند. خانواده در رشد شخصیت فرزندان، تحکیم ارتباط میان اعضای خود و اعتلای فرهنگ جامعه و ... نقش و اهمیت بسزایی دارد. فرزند در خانه و در دامن والدین رشد می کند و آماده ی ورود به مرحله ی دیگری می شود. خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تعلیم و تربیت هر جامعه ای محسوب می شود. وضعیت موجود هر جامعه ای نتیجه یادگیری دیروز افراد در خانه و مدرسه است و وضعیت فردای هر جامعه در نتیجه سرمایه گذاری هایی است که امروز روی دانایی افراد در خانه، مدرسه و جامعه انجام می گیرد. از این رو رابطه مدرسه و خانواده فرایندی تعاملی و مداوم است؛ که چنانچه مشارکت آگاهانه را به خود گیرد باعث اثر بخشی و کارآیی بیشتر مدارس می شود. هدف اصلی بهبود روابط با خانواده ها ایجاد زمینه ی مناسب برای مشارکت فعال و معنا دار والدین در فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه است. بنابراین با برقراری رابطه اثر بخش، می توان ذهن والدین را نسبت به مدرسه، رسالتها و اهداف آن، موقعیت مدارس و اهمیت و ضرورت برنامه های آن روشن کرد و با تغییر نگرش اولیا نسبت به موضوع، می توان زمینه ی مناسب را برای برخورداری از حمایت، مشارکت و کمکهای اجتماعی فراهم کرد (جهانیان، ۱۳۸۱). یک اصل مهم دانایی می گوید: آینده یافتنی نیست، بلکه ساختنی است اگر به دنبال ساختن آینده جامعه هستی بین خانه و مدرسه پل ارتباطی و دانش افزایی بزن و اجازه بده این پل از جامعه بگذرد.

بیان مساله

بررسی های صورت گرفته نشان می دهد در حال حاضر، همکاری و مشارکت و ارتباط اولیای دانش آموزان در امور مدارس محدود می باشد و این امر مشکلاتی را بر سر راه مدارس جهت تحقق اهدافشان ایجاد نموده است. آموزش و پرورش به عنوان یک سیستم اجتماعی به منظور انجام ماموریت، منابع مورد نیاز خود را به صورت درون داد (دانش موجود در جامعه، ارزش های معتبر مورد اعتقاد، اهداف مطلوب، منابع مادی و مالی) از جامعه می گیرد؛ سپس از طریق یک سلسله فراگردهای پیچیده ای که مستلزم بکارگیری ساختار سازمانی، افراد، تکنولوژی و ایفای وظایف معین است. دانش آموزان را پرورش می دهد و بالاخره نتیجه ی کار (برون داد) خود را به صورت افرادی که از جهات مختلفی تغییر یافته و صلاحیت و شایستگی پیدا کرده اند تحویل جامعه می دهد، بنابراین باید این واقعیت را بپذیریم که آموزش و پرورش می بایستی در ارتباط تنگاتنگ با جامعه باشد. و تحول داخلی مدارس همزمان با برقراری پیوندهای بهتر میان مدرسه و جامعه صورت گیرد. به عبارت دیگر مدارس بدون مشارکت اولیا ی دانش آموزان نمی تواند فرایند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازند و به اهداف خود دست یابند، بنابراین بررسی و شناسایی راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در اداره امور مدارس و برقراری ارتباط بین مدرسه و خانه، امری حیاتی و ضروری می باشد (بهبودی، ۱۳۹۰).

اهداف تحقیق:

هدف از پژوهش حاضر موارد زیر می باشد:

* شناسایی و تعیین راههای مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدارس

- * چگونگی برقراری تعامل دوسویه بین خانه و مدرسه
- * گسترش دامنه ی مشارکت های اولیای دانش آموزان در ابعاد فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عاطفی مدرسه
- * ارائه ی پیشنهادات و راهکارهای عملی در زمینه ی مشارکتهای اولیای دانش آموزان در امور مدرسه .

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق کتابخانه ای می باشد که مطالب آن با استفاده از منابع موجود و در دسترس جمع آوری شده است .

مبانی نظری تحقیق

یکی از شاخص های ارزشمند جامعه ی انسانی برتر، وجود پدیده ی ارتباط و مشارکت در میان افراد، نهادها و سازمانهای آن جامعه است . ارتباط و مشارکت در واقع نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به نظام عادلانه ی اجتماعی است (رهنمود، ۱۳۷۱).

ارتباط و مشارکت دارای مبانی فلسفی عمیق و گسترده ای می باشد که می توان آن را از چندین بعد مورد بررسی قرار داد :

* ابزار مدیریتی : از دیدگاه بهره وری ، ارتباط و مشارکت روشی است برای کاهش واقعی هزینه ها ، ناکارایی ها ، کارشکنی ها ، و پیامدهای ناشی از نارضایتی در محیط کار . این دیدگاه به طور ساده در پی تسکین نارضایتی کارکنان و بهبود سلامت افراد از طریق خلاقیت و احترام به خود است .

* نظریه دموکراسی : نویسندگان پیشگام در زمینه ی مدیریت سازمانهای صنعتی و تجاری ، بر مرکز قدرت تصمیم گیری در سطوح بالایی مدیریت تاکید داشتند . در مقابل ، دیدگاه دموکراسی رابطه و مشارکت کارکنان در تصمیم گیری را به عنوان ابزار توزیع قدرت در درون سازمانها می نگرد .

* نگرش انسانی سبک رهبری مشارکت جو : این نگرش در پی کسب همکاری کارکنان در رسیدن به هدفهای سازمانی است و اعتقاد بر این بود که اگر کارکنان و سایر افراد در تصمیم گیری دخالت داده شوند ، از تصمیمات حمایت خواهند کرد و در نتیجه بهره وری افزایش خواهد یافت (اسلامیه ، ۱۳۷۷).

* دیدگاه ایدئولوژیکی : در فرهنگ الهام بخش اسلام ، برقراری رابطه و مشارکت در تصمیم گیری باعث پرورش افراد و رضای انسانها می گردد . اسلام رشد و پرورش افراد از طریق کار را مورد تاکید قرار می دهد و بر شکوفایی استعدادها و بالقوه آنها به عنوان انسان نظر دارد ؛ قرآن کریم شورا و مشورت را به عنوان نمودی از ایمان معرفی و تاکید می کند که مسلمانان امور خود را بر اساس مشورت متقابل انجام دهند (شوری ، آیه ی ۳۸).

نقش خانواده در فرزندان

نفوذ والدین در کودکان تنها محدود به جنبه های ارثی نیست ، بلکه در آشنایی کودک با زندگی جمعی و فرهنگ جامعه نیز خانواده نقش مهمی را ایفا می کند موقعیت اجتماعی خانواده ، وضع اقتصادی آن ، افکار و عقاید ، آداب و رسوم ، ایده آل ها ، آرزوهای والدین و سطح تربیت آنان در رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد .

هر پدر و مادری به عنوان اولیاء دانش آموز ۴ نقش بسیار اساسی را دارد :

- ۱- اولیاء دانش آموز صاحبان اصلی دانش آموزان مدارس ماهستند
- ۲- اولیاء دانش آموزان بیشترین وقت سرمایه خود را در اختیار دانش آموزان مدارس ما قرار می دهند
- ۳- اولیاء دانش آموزان مشتریان دائمی ما هستند و ما بعد از آنها کار با دانش آموز شروع می کنیم

۴- اولیاء دانش آموزان ادامه دهندگان و تکمیل کنندگان کار ما در آینده هستند با این دیدگاه که اولیاء صاحبان اصلی، مشتریان دائمی و ادامه دهندگان راه معلمان و شریکان آموزشی ما هستند باید در مقابل این درک دست اندرکاران تعلیم و تربیت از اولیاء، اولیاء نیز هم جایگاه خود و هم اهمیت فرایند و زمان و سن فرزندان خود را تشخیص داده و با نظارت مستمر و شرکت فعالانه در برنامه ریزی سالانه راهبردی مدارس و اوقات فراغت مشارکت نمایند (زرهانی، ۱۳۸۹).

وظایف خانواده ها در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان

- خانواده در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان خود وظایفی به عهده دارد که چند مورد آن به شرح ذیل می باشد:
- ۱- انتخاب مدرسه و عنایت در انتخاب معلم یکی از ویژگی های پدران و مادرانی که به توفیقات تحصیلی فرزندان خود علاقه مند هستند توجه و عنایت برای انتخاب مدرسه و توجه ویژه به آموزگار پایه تحصیلی فرزندشان است.
 - ۲- برنامه ریزی برای امور آموزشی فرزندان در منزل داشتن برنامه و نهادینه نمودن آن، رمز موفقیت برای هر فرد در زندگی شخصی و اجتماعی به شمار می آید. مکمل برنامه ی تحصیلات فرزندانمان در مدرسه، داشتن برنامه ای منظم در خانه برای انجام تکالیف و مرور برنامه های مدرسه است.
 - ۳- آشنا کردن دانش آموزان به پذیرش درس خواندن و انجام تکالیف انجام دادن تکالیف برای فرزندان ما در محیط خانه باید به صورت یک فرهنگ در آمده و به عنوان یکی از برنامه های عادی روزانه برای آنان نهادینه گردد.
 - ۴- فراهم کردن شرایط مناسب و فضای امن خانوادگی ایجاد فضا و بستری مناسب برای درس خواندن فرزندان در منزل از نظر شرایط فیزیکی مناسب و شرایط روانی مناسب قابل توجه است. ارتباط با مدرسه و مربیان برای آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزندان و تلاش برای رفع کاستی ها
 - ۵- یکی از مهم ترین اموری که والدین برای مشارکت در برنامه ریزی تحصیلی و مساعدت به فرزندان خود باید عهده دار گردند تماس و ارتباط مستمر با مدرسه ی فرزندان خود است. (ملکی، ۱۳۹۲).

نقش ارتباط در اولین جایگاه تربیت

یکی از نیازهای اساسی والدین و مربیان در امر تربیت و پرورش اخلاقی کودکان، برقراری ارتباط سالم با آنهاست. ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان، اولین و مهمترین زمینه رشد و پرورش اخلاقی نونهالان است. اساس تربیت سالم نونهالان جامعه، بستگی کامل به سلامتی خانواده دارد و سلامتی خانواده مستلزم ارتباط سالم بین اعضای خانواده است (رامشینی، ۱۳۸۴).

ضرورت ارتباط خانه و مدرسه

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه ی اول فرزند و مدرسه، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید. دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند.

بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند.

روش های برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته باشند و با کسب

اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند. در برقراری باید به چند نکته ی اساسی توجه کرد:

۱- والدین زمانی قادر خواهند بود نقش تربیتی خود را به نحو مطلوب ایفا کنند و با مدرسه ارتباطی صحیح برقرار نمایند که از وضع درس و رفتاری فرزندشان اطلاع کافی داشته باشند.

۲- والدین در موقع حضور در مدرسه ، همیشه باید حفظ آرامش را به عنوان یک اصل به خاطر داشته باشند . گاهی ممکن است پدر و مادر با مشاهده ی ضعف درسی در دانش آموز و یا گریه های او که مخصوصاً در دوره ی ابتدایی بیش تر اتفاق می افتد ، احساساتی شوند و به صورت خشن و برافروخته با اولیای مدرسه برخورد کنند . قطعاً چنین حالتی محل برقراری ارتباط موثر با مسئولان مدرسه خواهد بود . آن چه انسان از آرامش به دست می آورد ، از خشونت عاید او نمی شود.

۳- ارتباط اولیا با مسئولان مدرسه باید مستمر باشد . معنای استمرار این نیست که هر روز سری به مدرسه بزنند ، بلکه لازم است به طور مرتب در منزل به وضع درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنند و بر طبق اطلاعات به دست آمده ، با مدرسه ارتباط برقرار نمایند .

حد و تعداد دفعات حضور در مدرسه را نحوه و میزان رسیدگی به وضع دانش آموزان معلوم می کند . گاهی معلمین جلساتی را در زمان های مختلف تشکیل می دهند و از والدین دعوت به عمل می آورد . حضور مرتب در این جلسات ضروری است و به هماهنگی اولیا و مربیان کمک می کند.

۴- والدین باید در مدرسه به عنوان ولی حضور پیدا کنند نه به عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد . اگر پدر یا مادر دانش آموز در وزارتخانه یا سازمانی ، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارد و در انجا به عنوان رئیس ایفای نقش می کند و به تناسب مسئولیت ، گاهی امر و نهی می نماید ، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شود(اسماعیلی، ۱۳۷۴) .

همکاری خانه و مدرسه در امور آموزش دانش آموزان

همکاری والدین با مسئولان مدرسه در دوره ی ابتدایی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. می توان گفت بعد اصلی همکاری این دو را همکاری در مسائل آموزشی و پرورشی تشکیل می دهد . نخستین نکته اینکه والدین باید نسبت به پایه تحصیلی و عناوین دروس فرزند خودشان اطلاع کافی داشته باشند و با مطالعه مقدمه و مطالب آغازین کتاب های درسی آگاهی نسبی بدست آورند . گاهی در بحث های مقدماتی کتاب های درسی نکاتی درج می گردد که مطالعه ی آنها برای والدین ضروری است . شناخت نقاط ضعف درسی دانش آموز و همفکری برای آن ضرورت دیگر ارتباط خانه و مدرسه است . پس از گذشت چند هفته از سال تحصیلی می توان در وضع درسی دانش آموز تامل کرد و نقاط ضعف و قوت او را شناخت .

مطلب دیگر توجه والدین و معلمان به ویژگی های روانی کودکان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی آنان است. به عنوان مثال کودکان نیاز به جلب توجه و ابراز خود دارند . آنها علاقه مند هستند که حاصل کار خودشان را عرضه کنند و بدین وسیله این نیاز در آنان تامین و ارضا شود . میگنا این نیاز در دوران مدرسه از طریق ارائه حاصل کارهای خود در امور درسی جلوه گر می شود . مثلاً ممکن است کودکی نقاشی بکشد و آن را نزد پدر و مادر خود بیاورد و ارائه دهد . در مقابل این عمل والدین باید به آن توجه کنند و کودک را مورد تشویق قرار دهند . احتیاج به هدف نیاز دیگر کودک است . اگر کودک بداند که درس را برای چه هدفی می خواند و آثار و نتایج هر یک از مواد درسی به او تفهیم شود علاقه اش به درس خواندن افزایش پیدا می کند(سپهری ، ۱۳۷۲) .

همکاری خانه و مدرسه در امور رفتاری دانش آموزان

ترس از مدرسه یکی از رفتارهای کودک در دوره دبستان، مخصوصاً در پایه اول ابتدایی است. علل مختلفی ممکن است این رفتار را به وجود آورند. گاهی ممکن است دور شدن از خانواده، به ویژه مادر باعث ترس شود، چون در دوره ابتدایی، رابطه عاطفی کودک با خانواده بسیار قوی است و او مایل نیست از پدر و مادر جدا شود.

ترس از مدرسه و غیبت از مدرسه، هم معنا نیستند. ترس از مدرسه با نوعی دل زدگی و تنفر از مدرسه همراه است، ولی غیبت از مدرسه همراه با چنین حالت عاطفی نیست، بلکه به علل مختلف ممکن است کودک در طول سال تحصیلی چند دفعه در کلاس درس خود حضور پیدا نکند و این امر باعث عقب ماندگی تحصیلی او شود. گاهی ممکن است بیماری کودک موجب غیبت شود.

هرچند بیمار شدن دلیل موجهی برای غیبت است، ولی بعضی از مادران به دلیل یک سرما خوردگی یا سرفه و یا خس خس کردن خفیف، مانع از رفتن فرزندشان به مدرسه می شوند، در حالیکه او را همراه با خود به بیرون می برند! در چنین خانواده هایی گاهی با یک سردرد جزئی، از رفتن کودک به مدرسه ممانعت می شود و گاهی نیز تشویق می گردد که وی علائم یک بیماری را بزرگ تر از آنچه هست، نشان دهد. علت دیگر غیبت از مدرسه، ممکن است کار کردن باشد.

بعضی خانواده ها از این بابت شکایت دارند که چرا فرزندشان در منزل، به پرسش ها به خوبی پاسخ می دهد، ولی در مدرسه نمره کمی از معلم می گیرد. به عبارت دیگر کودک توانایی هایی دارد و درس را نیز به خوبی خوانده است، ولی در اثر عواملی قادر به ابراز توانایی های خود نیست www.migna.ir. گاهی شلوغی کلاس و زیاد بودن عده دانش آموزان مانع از این می شود که معلم بتواند با آنها ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کند و با شنیدن پاسخ های یک دانش آموز و ارائه توصیه های لازم، از توانایی های او آگاهی پیدا کند و در نتیجه درباره وی به نحو مطلوب داوری نماید. گاهی هم شلوغی مانع نیست، بلکه معلم روابط انسانی مناسبی با کودک برقرار نمی کند و در نتیجه فضای مناسب برای ابراز وجود و ارائه پاسخ های لازم برای دانش آموز به وجود نمی آید. به عبارت دیگر در اثر فقدان روابط عاطفی سالم، توانایی کودک پنهان می ماند و ممکن است او را به عنوان شاگرد تنبل معرفی کند. ممکن است تحقیر دانش آموز توسط همکلاسی ها موجب اختلال عاطفی در او شود و نتواند در یادگیری مطالب موفقیت به دست آورد و یا آموخته های خود را به خوبی عرضه کند.

گاهی دانش آموزانی که با لهجه متفاوت از دانش آموزان دیگر صحبت می کنند و یا لباس ویژه ای می پوشند، در میان دانش آموزان دیگر احساس غربت می کنند و از جهت عاطفی امنیت خود را از دست می دهند. هر جا که نیازهای عاطفی کودک تامین گردد، برای مطالعه و یادگیری ترغیب می شود و هر جا اختلالات عاطفی پیدا شود، علاقه به درس و یادگیری در او تضعیف می گردد (میر کمالی، ۱۳۷۵).

اهم انتظارات کلاس و مدرسه و معلم و مدیر از اولیاء:

- ۱- دانایی محوری اولیاء در نظارت و مشارکت فرایند تعلیم و تربیت فرزندان خود
- ۲- ارتقاء مشارکت عملی در فرایند تعلیم و تربیت به تناسب نیاز مدرسه
- ۳- شرکت فعال و ارائه پیشنهادات به موقع و سازنده در تنظیم برنامه ریزی سالانه راهبردی مدارس و برنامه ریزی عملیاتی بر اساس تقویم اجرایی
- ۴- مشارکت در پرکردن اوقات فراغت فرزندان
- ۵- مشارکت مالی در تجهیز کلاس های درس
- ۶- شرکت فعال در جلسات انجمن اولیاء و مربیان بصورت ماهیانه
- ۷- ارتباط دائم و معنی دار با معلم یا معلمان فرزند خود.

- ۸- همکاری با آموزشگاه برای سرمایه گذاری در دانایی و جلوگیری از هزینه نادانی فرزندان خود
- ۹- درک سرمایه فرزند خود یعنی همان عمر خدادادی و همکاری در جهت استفاده درست از آن در طول زندگی و طول تحصیل
- ۱۰- ایجاد انگیزه و تقویت روحیه کار و تلاش مستمر در بین عوامل انسانی در مدرسه (بیابانگرد، ۱۳۷۶).

موانع مشارکت اولیا در مدرسه

چنانچه مشارکت را گذر از تفکر سنتی اداره ی امور به حساب آوریم ، بدیهی است برای تحقق آن دشواری هایی وجود داشته باشد . مشارکت نگاه قدرت طلبانه و ساختارهای سنتی اداره را به مبارزه می طلبد بنابراین طبیعی است خود این ساختارها از جمله موانع اصلی مشارکت به حساب آیند .

موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه در قالب انجمن اولیا و مربیان را می توان از دو منظر مورد توجه قرار داد.

۱- موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه

۲- موانع مشارکت از سوی اولیا

موانع مشارکت از سوی مدرسه

- در هر مجموعه ای مدیر به عنوان اثر گذار ترین عامل در موفقیت آن در دست یابی به اهداف قلمداد می شود. از این رو نگاه مدیر مدرسه به انجمن اولیا و مربیان و مشارکت اولیا در امور مدرسه نقش اساسی در نزدیکی یا دوری اولیا به مدرسه ایفا می کند.
- نگاه مشارکت جویانه ی مدیران موجب استفاده ی مطلوب از ظرفیت ها ی اولیا می گردد و آنها نیز با نگاه خدمت به فرزندان خویش با مدرسه ارتباط صمیمی برقرار نموده ، در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی ، از هر گونه اقدامی دریغ نمی کنند . بر عکس ، نگاه منفی مدیران به مشارکت اولیا موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی گیرد.
- به طور خلاصه موانعی که از سوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می شود ، به قرار زیر است:
- ۱- نگاه سنتی مدیر به اداره ی مدرسه
 - ۲- آشنا نبودن مربیان به مزایای مشارکت اولیا
 - ۳- احساس ناتوانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت های آموزشی و پرورشی
 - ۴- ترس از مداخله ی بیجای اولیا در امور مدرسه
 - ۵- نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه
 - ۶- ترس از کم شدن قدرت مدیر یا به عبارتی قدرت طلبی مدیر
 - ۷- نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه
 - ۸- عدم انگیزه ی مدیر در جلب مشارکت اولیا موانع مشارکت از سوی اولیا (عصاره، ۱۳۷۵).

موانع مشارکت از سوی اولیا

عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله ی مهم ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است . بسیاری از اولیا معتقدند که مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظریات

آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند. بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه ی دولت می دانند و هر گونه مسئولیتی در این زمینه را از خود سلب می کنند. برخی به تجربه دریافتند که مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برایشان قائل نیستند.

عواملی از این نوع و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب گردیده است که ارتباط اولیا و مربیان از انسجام لازم برخوردار نباشد. در نتیجه ی این امر عدم موفقیت لازم در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است.

به طور خلاصه برخی موانع مشارکت از سوی اولیا عبارتند از:

- ۱- عدم آگاهی از مزایای مشارکت
- ۲- عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه
- ۳- ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه
- ۴- ترس از موضع گیری خشونت آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه ی عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی
- ۵- نداشتن فرصت مشارکت
- ۶- عدم آگاهی نسبت به چگونگی مشارکت
- ۷- باور داشتن به مسئولیت پذیر بودن فرزند
- ۸- احساس بی توجهی نسبت به عقاید و نظریات آنها توسط مسئولین مدرسه
- ۹- فقدان مکان مناسب برای حضور اولیا در مدرسه
- ۱۰- برقراری ارتباط با مربیان (همان منبع).

راهکارهای افزایش مشارکت اولیا در مدرسه (پیشنهاداتی برای مسئولان اداری آموزش و پرورش)

برای مشارکت اولیا در امور مدرسه، تدوین راهبردی مبتنی بر سازمان دهی و اتخاذ سیاست ها و خط مشی هایی که بتواند مشارکت حد اکثری اولیا را به دنبال داشته باشد، از اهمیت و ضرورت خاص برخوردار است. البته سیاست مشارکتی باید با سیاست های تغییر نگرش مدیران و اولیا نسبت به برقراری ارتباط با هم افزایش انگیزه در آنها همراه باشد تا نتایج اثر بخش حاصل شود.

در کنار اقدامات فوق برخی از راه هایی که موجب افزایش مشارکت اولیا می شود عبارتند از:

- ۱- زمان کافی برای مشارکت اولیا وجود داشته باشد. در این جهت، دولت می تواند با تصویب قانونی، حضور اولیا، به ویژه پدران را در زمان برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان مدرسه و نیز تشکیل جلسات عمومی انجمن در طی سال، به مدت ۸ ساعت قانون مند نموده جزء زمان کار آنها به حساب آورد.
- ۲- بازنگری در قوانین و مقررات موجود در زمینه ی ارتباط اولیا با مدارس و تدوین قوانین مرتبط با موضوع، در سطحی بالاتر از آموزش و پرورش، از جمله در هیأت محترم دولت یا مجلس محترم شورای اسلامی، با توجه به نیازها و الزامات فرا روی جامعه
- ۳- هدایت قانون مند مدیران آموزش و پرورش از جمله مدیران مدارس در جهت جلب مشارکت های اولیا و ارزیابی از عملکرد آنها در این زمینه
- ۴- پخش برنامه های مناسب از طریق رسانه های ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، برای تبیین مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه
- ۵- افزایش منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان برای اجرای برنامه های مرتبط با جذب مشارکت های اولیا
- ۶- آگاه ساختن معلمان در مورد توانایی و ظرفیت عظیم اولیا در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان
- ۷- آموزش معلمان در جهت تقویت مهارت های ارتباطی آنان با اولیا برای شناخت بهتر انتظارات و نیازهای طبقات مختلف

اجتماعی

- ۸- ایجاد تغییر و تحول در نحوه ی تشکیل انجمن اولیا و مربیان در مدرسه
- ۹- قدردانی از فعالیت ها و همکاری های اولیا در مدرسه
- ۱۰- استفاده مناسب از توانایی های تخصصی و مهارت های اولیا
- ۱۱- تقویت مهارت های آموزشی و پرورشی اولیا
- ۱۲- ایجاد تحول در جامعه ی محلی اطراف مدرسه ، بازدید معلمان از خانه دانش آموزان پر مسئله ،حضور داوطلبان در مدرسه و ... (رحمانی، ۱۳۸۳).

راهکارهای اجرایی مورد نظر (پیشنهاداتی برای مدیران مدارس)

- ۱- مشارکت در تنظیم برنامه ریزی سالانه مدرسه از طریق تکمیل فرم ضمیمه طرح مورد نظر .
- ۲- شرکت فعال در جلسات انجمن اولیاء و مربیان در انتخابات مختلف در طول سال تحصیلی .
- ۳- شرکت و تشکیل انجمن اولیاء و مربیان کلاس بر اساس بخشنامه های صادر شده در سنوات قبل .
- ۴- همکاری با شورای مرکزی انجمن اولیاء و مربیان هر دوره تحصیلی در اداره .
- ۵- شرکت فعال در همایش های عمومی انجمن اولیاء و مربیان .
- ۶- شرکت در کلاس های آموزش خانواده .
- ۷- همکاری و بررسی وضعیت تحصیلی و اخلاقی فرزند خود .
- ۸- مساعدت های فکری و مالی به مدرسه .
- ۹- پذیرش و باور به مدرسه به عنوان خانه دوم
- ۱۰- ایجاد زمینه تکریم و احترام به معلم به عنوان عامل ایجاد رفتار ماندگار فرزندان خود .

نتیجه گیری

رابطه خانه و مدرسه تعاملی دوطرفه است . هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است . این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان برعهده دارند. وقتی که رفتار معلمان و اولیای مدرسه و نیز رفتار پدر و مادر و اولیای خانواده باموازیین تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک و رشد او مطابقت نداشته باشد، سلامت روانی و اجتماعی کودکان به مخاطره می افتد. پس در پرتو همدلی و همسویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی یعنی خانه و مدرسه، بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهد شد.

منابع

- ۱- احمدی، سید احمد (۱۳۷۹)؛ روانشناسی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات رودکی.
- ۲- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۹)؛ نقش خانواده ها در گذراندن اوقات فراغت، مجله پیوند، شماره های ۲۴۹-۲۵۱. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان .
- ۳- اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۷۴)؛ همکاری خانه و مدرسه، فرهنگ مشارکت، شماره های ۳، ۴. تهران .
- ۴- بهبودی، هایده (۱۳۹۰) ؛ ضرورت آموزش والدین کودکان با نیازهای ویژه . مجله پیوند، شماره ۳۷۹ و ۳۷۸ صفحه ۲۷.
- ۵- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶)؛ انجمن اولیا و مربیان . تهران : انتشارات انجمن اولیا و مربیان .
- ۶- پاتریشیا، مک لگان و کریستونل؛ عصر مشارکت؛ ترجمه ی مصطفی اسلامی (۱۳۷۷) . دفتر پژوهشهای فرهنگی .
- ۷- ثابتی، حسن (۱۳۷۶)؛ چگونه کلاسهای آموزش خانواده را جذاب تر کنیم؟. مجله پیوند: شماره ۲۲۰، تهران .
- ۸- جهانیان، رمضان (۱۳۸۱)؛ بررسی راهای جلب مشارکت معلمان و کارکنان در امور مدرسه . تهران : اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران .
- ۹- حائری زاده، خیریه بیگم، محمد حسین، لیلی (۱۳۸۴) ؛ ویژگی های معلم موثر. چاپ اول، انتشارات منظومه خرد، نشر قطره
- ۱۰- رامشینی، موسی (۱۳۸۴) ؛ خانواده و فرزندان برتر، راه های ارتباط موثر برای رسیدن به آرامش و تفکر خلاق . چاپ دوم، تهران : انتشارات امیدمهر.
- ۱۱- رهنمود، فرج الله (۱۳۷۱)؛ تبیین فلسفه مدیریت مشارکتی . فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۴۴: ۴۴.
- ۱۲- زرهانی، سید احمد، تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۸۹) نقش های تربیتی خانه و مدرسه . مجله پیوند، شماره ۳۷۲، صص ۲۲-۲۰.
- ۱۳- سپهری، حسین (۱۳۷۲)؛ راههای جلب مشارکت مردمی در امور آموزش و پرورش . پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران : دانشگاه علامه طباطبایی .
- ۱۴- عصاره، علیرضا (۱۳۷۵)؛ جایگاه نهاد اولیا و مربیان . مجله پیوند : شماره ۲۰۶.
- ۱۵- ملکی، حسن (۱۳۹۲)؛ ارتباط خانه و مدرسه . تهران : انتشارات انجمن اولیا و مربیان .
- ۱۶- میر کمالی، سید محمد (۱۳۷۵)؛ مشارکت در تصمیم گیری در امور آموزشی و همبستگی آن با اثر بخشی و کار آیی سازمان های آموزشی . فصلنامه تعلیم و تربیت : شماره ۴۷.
- ۱۷- نقیه، مجید (۱۳۸۷) ظرافت های معلمی. چاپ اول، تهران، انتشارات بین المللی گاج